

پروفیسر

زیر ذرہ بینی دیگر مرتضیٰ بابک معین

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد
اسلامی واحد تهران مرکزی



نشر خاموش

فهرست

پیش‌گفتار ۹

فصل اول

فرآیند شکل‌گیری عشق و حسادت در اثر مارسل پروست ۱۳

کارکرد تصویر در ایده‌آلیزاسیون عشق ۱۸

حسادت، مولد عشق فراموش‌شده ۲۲

فصل دوم

تجزیه و تحلیل مضمون عشق نزد پروست و استاندال ۳۱

مقدمه ۳۳

برداشت اندیشه مدرن از مفهوم آگاهی ۳۴

برداشت مشترک از عشق نزد پروست و استاندال ۳۶

مفهوم عشق نزد استاندال و پروست مبتنی بر دو برداشت متفاوت از آگاهی ... ۴۰

ماحصل بحث ۴۳

اساساً دیدگاه مارسل پروست درباره عشق، در زمره بدبینانه‌ترین بینش‌ها در خصوص عشق به حساب می‌آید. از منظر پروست، عشق توهمی بیش نیست و با زجر و درد مترادف می‌باشد؛ همان‌گونه که حسادت نیز، به مثابه یکی از مضامین اساسی اثر پروست، با زجر و درد هم‌معنا است. از نظر این رمان‌نویس پراوازه قرن بیستم فرانسه، عشق با عدم شناخت دیگری آغاز می‌شود، و همین عدم شناخت دیگری مجال برای تخیل عاشق فراهم می‌آورد تا او بتواند در «تاریک خانه آگاهی» خویش آن‌گونه که خود می‌خواهد، تصویری از معشوق را بیافریند و به آن عشق ورزد؛ به‌گونه‌ای که عاشق به جای دل بستن به فردی با ویژگی‌های مشخص و عینی، به تصویر برساخته توهمی و تخیلی معشوق، که خود در جهان آگاهی خود ساخته است، عشق می‌ورزد. از همین روی هر چه سوژه این امکان را بیابد تا در جهان آگاهی خود، و برپایه‌ی امیال درونی‌اش تصویر معشوق را شکل دهد، ضمن جدا شدن از امر واقع و چهره حقیقی معشوق، تصویر برساخته نیز هر چه بیشتر به رؤیا و تخیل شبیه می‌شود. برعکس، هر چه فاصله‌ی سوژه عاشق از جهان واقع و چهره حقیقی معشوق کمتر می‌شود،

ضمن بالا رفتن میزان شناخت عاشق از معشوق، میزان برساختگی تصویر خیالی نیز کمتر شده و به تدریج عشق به فراموشی سپرده می‌شود. در این فصل سعی می‌کنیم نقش تصویر برساخته در آگاهی سوژه، به عنوان نقشی میانجی بین احساسات ادراکی برآمده از جهان واقع بیرونی و امیال درونی سوژه برای شکل دادن خیالی اثره را مورد واکاوی قرار دهیم و همچنین ارتباط بدیعی را که پروست، برای اولین بار به شکلی سیستماتیک بین عشق و حسادت برقرار کرده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

عشق یا نیاز به مالکیت

اثر در جستجوی زمان از دست رفته پروست بر اساس مفهوم زمان و ارائه بینش هنری از زندگی بنیاد گذاشته شده است، اما یکی از محورهای اساسی این اثر، برداشت خاص پروست از عشق می‌باشد. در واقع عناوین متفاوتی مانند: عشق سوان^۱، در سایه دختران شکوفا^۲ آلبرتین^۳ ناپدید می‌شود (گریخته)^۴ و همچنین عنوان ابتدایی اثر یعنی تناوب دل^۵، سبب شده است که ژان میلی، این اثر را «رمان عشق» بنامد (میلی، ۲۰۱۱: ۱۹۵). در این اثر با قرارهای عاشقانه، نامه‌های عاشقانه و زجرها و حسادت‌های بسیاری مواجه می‌شویم. غالب شخصیت‌های بزرگ پروست در این اثر، سوژه‌های عاشق‌اند: سوان، شارلوس، سن لو، و راوی داستان، مارسل. اما آنچه جالب به نظر می‌رسد این است که رویه دیدی که بر اساس آن احساسات عاشقانه ترسیم می‌شوند، همیشه رویه دید سوژه عاشق می‌باشد، مانند زاویه دید مارسل یا سوان، همچنین احساسات معشوقگان هرگز از زاویه دید خود آن‌ها به تصویر کشیده نمی‌شود. در این اثر سترگ و حجیم که عشق یکی از مضامین اصلی آن است، به شکلی پراگماتیک با تعدادی اندک از دیالوگ‌های عاشقانه روبرو می‌شویم که در آن‌ها سوژه عاشق به رسم معمول به تحسین طرف مقابل یا زیبایی او پردازد:

-
1. *Un amour de Swann*
 2. *A l'ombre des jeunes filles en fleurs*
 3. *Albertine disparue*
 4. *Intermittence du cœur*